

# تشدید و تعمیق آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر تفکر اجتماعی غیراسلامی - غیربومی

مهدی محمدی\*

## چکیده

این مقاله با روش تاریخی - تطبیقی و با چارچوب نظری که مفاهیم اصلی آن مأخوذ از آرای نظریه‌پردازانی در پارادایم برساخت‌گرایی (تعریف‌گرایی اجتماعی) آغاز گردیده، و با نقد و بررسی عقلانیت صوری و تفوق روزافزون این نوع عقلانیت بر انواع دیگر آن در جهان مدرن، که ناظر بر انسان زدایی و عرفان زدایی روزافزون است، بر ضرورت توجه به جهان بینی توحیدی در آرای اجتماعی متفکران اجتماعی تأکید داشته؛ از این رو، به نقش تفکر اجتماعی غیر اسلامی - غیر بومی در تشدید و تعمیق آسیب‌های اجتماعی در فرایند پیشرفت جامعه در سه محور توجه دارد که عبارتند از: ۱. نوع نظام دانشگاهی و آموزش‌های ناشی از آن، ۲. توسعه ناهمگون و ناموزون به پیروی از اندیشه‌های اجتماعی غیر بومی و ۳. تأکید بر تفکر انتقادی اجتماعی بومی - موقعیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی.

مقاله از یک سو، به تنوع فوق العاده جامعه ما در زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و آرای اجتماعی هماهنگ با نظام ارزشی و هنجاری جامعه توجه داشته و از سوی دیگر، با طرح این ادعا که، بسیاری از راهبردهای تجربه شده در کشورهای جهان سوم که برگرفته از الگوهای غربی و غافل از زمینه‌ها و ساختارهای درونی این کشورها بوده‌اند آسیب‌های اجتماعی را عمیق تر و شدیدتر ساخته اند. این نتیجه حاصل می‌شود که گزینه الگوی تفکر اجتماعی برون‌زا برای طرح پیشرفت و توسعه جامعه، دیگر گزینه کارآمد و سازگار با شرایط اجتماعی ما نخواهد بود. و با بحث

---

\*. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و مدرس دانشگاه مازندران

از پیامدهای منفی آن در جامعه جهانی و بویژه در ایران، ما را به تامل بیشتر در این زمینه فرا می‌خواند.  
**کلیدواژه‌ها:** دانشگاه، توسعه ناهمگون و ناموزون، آسیب‌های اجتماعی، تفکر اجتماعی بومی - اسلامی.

### مقدمه و طرح مسئله

در زمانه‌ای که جهان به پدیده‌ای چندفرهنگی تبدیل شده است، تغییر در شکل دانش اجتماعی سخن غریبی نیست. «تغییر در اندیشه اجتماعی را می‌توان در اشکال گوناگونی توصیف کرد. می‌توان از رودررویی دیدگاه‌های مدرن و پست مدرن سخن گفت. می‌توان از چرخش نسبتاً محسوس و واقعی کانون توجه اندیشه اجتماعی به مسائلی مربوط به ایده وابسته بودن علم به موقعیت و محل و جهان بینی‌های متفاوت، سخن گفت. وابسته به موقعیت دانستن علم و تعلق آن به جهان بینی‌های گوناگون به این معنا است که ما جهان را همواره از منظر یا دیدگاه خاص می‌شناسیم» (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۵۷). ممکن است یک دیدگاه به هویت جنسیتی، نژادی، ملی یا تمدنی مانند غربی یا آسیایی، مسلمان یا غیر مسلمان، ساخت روابط اجتماعی دینی یا ساخت روابط اجتماعی غیر دینی و حاکمیت سیاسی سکولار یا حاکمیت سیاسی دینی و... اشاره داشته باشد. در اینجا دیدگاه است که به نگاه ما به جامعه شکل می‌بخشد. ما جهان را جدای دیدگاه مان نخواهیم شناخت؛ این که ما چه کسی هستیم، به این بستگی دارد که چه چیزی درباره جهان می‌توانیم بگوییم یا بدانیم. اینکه دیدگاه ما ناظر بر جهان بینی توحیدی و اسلامی باشد واکنش‌های اجتماعی نیز متناسب با آن تغییر یافته و اجتماع نیز بر آن اساس ساخته می‌شود.

«تلقی دانش به منزله پدیده‌ای وابسته به محل و موقعیت، به این معناست که دیدگاه افراد نیز می‌تواند دانش را ممکن سازد و آرای اجتماعی افراد ناظر به منظر خاصی می‌باشد و باید از ایده دانش اجتماعی کامل و جامع دست برداشت. حقایق اجتماعی تک بعدی می‌شوند. و واقعیت اجتماعی را در عین آشکاربودن پنهان در نظر می‌گیرد. دانش به رفتار